

تاریخ و اندیشه

هفته‌نامه تحلیلی روزنامه فرهیختگان

شماره بیست و هشتم | هفته دوم شهریورماه ۱۴۰۴

FARHIKHTEGANONLINE

همه چیز دربارهٔ طرح «اسرائیل بزرگ» که شامل بخش‌هایی از سوریه، لبنان، اردن، عراق و سعودی هم می‌شود

سایکس پیکونیاهو



محمّد وحیدی

۱۲ آگوست ۲۰۲۵، یعنی همین سه هفته پیش (۲۱ مرداد)، نتانیاهو مصاحبه‌ای با شبکه خبری ۲۴ (i24 news) داشت که حسابی جنجال به پا کرد و باعث واکنش تند وزارت امور خارجه اردن و قطر و همچنین عربستان، مصر، امارات و تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس شد.
اواخر مصاحبه، شارون گال به نتانیاهو هدیه‌ای می‌دهد که نمادی از نقشه اسرائیل کامل یا همان ایده اسرائیل بزرگ است. او از نتانیاهو پرسید: «آیا با ایده سرزمین کامل اسرائیل ارتباط برقرار می‌کنید؟» و نتانیاهو هم جواب داده که «بسیار… من به آرمان تشکیل سرزمین کامل اسرائیل (اسرائیل بزرگ که شامل کرانه باختری، سرزمین‌های دو طرف رود اردن، لبنان، سوریه، مصر و بخش‌هایی از عراق و عربستان می‌شود) متعهد هستم،» اندکی پس از آن، کنفرانسی به یاد حاخام کوک (حقوق‌دان و از بنیانگذارن صهیونیسم مذهبی) در تالار ملی اسرائیل در اورشلیم برگزار شد که اسموتریچ (وزیر دارایی) و موشه لئون، شهردار اورشلیم از نقشه «اسرائیل بزرگ» رونمایی کردند و اسموتریچ آن جمله جنجالی‌اش را گفت که «مسجدالاقصی را خراب کنید، هزینه ساخت معبد سوم سلیمان ما من.»

سرزمین بزرگ اسرائیل

سرزمین اسرائیل کامل یا اسرائیل بزرگ، یک اصطلاح ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک و همچنین یک ایده و سیاست در تاریخ قوم یهود، جنبش صهیونیستی و سیاست رژیم عبری است که به سرزمین اسرائیل، در مرزهای تاریخی توصیف شده در منابع کتاب مقدس یا تاریخی اشاره دارد و این مرزها را مرزهای مطلوب برای دولت یهود و با همان رژیم اسرائیل می‌داند. اصطلاح اسرائیل بزرگ پس از جنگ شش‌روزه در اشاره به آرمان اعمال حاکمیت اسرائیل بر سرزمین‌های فراتر از خط سبز (خط آتش پس کشور اسرائیل با مصر، اردن، سوریه و لبنان است که در توافقنامه‌های آتش‌بس امضاءشده در سال ۱۹۴۹، پس از جنگ استقلال، با استثنائات خاصی که در اوایل دهه ۱۹۵۰ و تا جنگ شش‌روزه در سال ۱۹۶۷ تعیین شده، تصریح شده است) که به دست اسرائیل افتاد، رایج شد. ایدئولوژی «سرزمین بزرگ اسرائیل» در سال‌های اولیه تشکیل دولت اسرائیل، هدف اصلی احزاب سیاسی رادری می‌گرفت. امروزه، حامیان سرزمین اسرائیل بزرگ در سیاست اسرائیل به عنوان راست‌گرا شناخته می‌شوند. فعلاً اقدامات صورت گرفته برای برقراری ایده سرزمین بزرگ اسرائیل با طرح شهرک‌سازی مرتبط است که هدف آن اسکان یهودیان در ارتفاعات جولان، دره اردن، کرانه باختری و نوار غزه است. ایده «سرزمین بزرگ اسرائیل» در معنای محدود خود، عمدتاً بر مرزهای فعلی رژیم اسرائیل طبق قانون یهود به علاوه سرزمین‌های تحت قیمومیت بریتانیا تا سال ۱۹۴۱ و سرزمین‌های رژیم اسرائیل پس از جنگ شش‌روزه و قبل از پیمان صلح با مصر اشاره دارد، اما در معنای عام، بر سرزمین موعود به معنای وسیع‌تر (سرزمین‌های وعده داده شده به ابراهیم، مرزهای پادشاهی داوود و سلیمان، سرزمین‌های پادشاهی اسباط دوازده‌گانه بنی اسرائیل و حتی مسیر تبعید تا بابل) مبتنی است. از همین جامشخص است که بین فرق و احزاب مختلف یهودی اصطلاح «سرزمین کامل اسرائیل یا اسرائیل بزرگ» یک مفهوم مطلق و واضح نیست.

مرزها بر اساس کتاب مقدس و ملاحظات سیاسی دوران مدرن

مرزهای «اسرائیل بزرگ» با توجه به اینکه از زبان چه کسی عنوان می‌شود و این شخص از چه فرقه یا حزب و عقبه‌ای آمده، فرق می‌کند. دلایل

وقایع اسرائیلیه

این مناطق، سودان شمالی، نصف مصر و بخشی از شمال سودان، یک سوم شمالی عربستان، دو سوم غرب و جنوب عراق تا خلیج فارس کل کویت و حتی بخش کوچکی از انطاکیه ترکیه را هم شامل می‌شود، ولی مناطق کردنشین سوریه و عراق جز آن نیست در صورتی که در سرزمین موعود این مناطق هم ذکر شده است.

جنجال بر سر تقسیم‌بندی

در سال‌های ۱۹۲۰–۱۹۱۹، حییم وایزمن به عنوان رئیس سازمان صهیونیستی، استدلال‌های تاریخی و عملی بسیاری برای شکل‌گیری ایده اسرائیل بزرگ آورد. او از سرزمین‌های خریداری‌شده در شرق رود اردن و از جمله ساخت اولین کبیوتص در آن زمین‌ها تا نوشتن سند حفظ تمامیت سرزمین ملی یهودیان در دو سوی رود اردن، ضمن در نظر گرفتن منافع بریتانیا در خاورمیانه حمایت کرد، به عنوان مثال سازمان صهیونیستی مرز شرقی سرزمین ملی یهودیان را در غرب راه‌آهن حجاز، با درک منافع بریتانیا در حفظ کنترل راه‌آهن در دست بریتانیا، ترسیم کرد. مرزهای توافق شده بین بریتانیا و فرانسه، بر اساس توافقنامه سایکس–پیکو توسط جامعه ملل و پارلمان بریتانیا تصویب شد. جامعه ملل این قیمومیت را، برخلاف وعده‌های اعلامیه بالفور، محدود کرد تا بریتانیا حق داشته باشد شرق اردن را از سرزمین ملی یهودیان مستثنی کند. این امر به این دلیل بود که بریتانیا علاقه‌مند به واگذاری این سرزمین به عبدالله اول، پسر شریف حسین بود. سازمان جهانی صهیونیسم، علی‌رغم مخالفت شدید اولیه اش، دیکته بریتانیا مبنی بر جدا شدن شرق رود اردن از خانه ملی یهودیان را پذیرفت و ترجیح داد بر توسعه سرزمین اسرائیل در غرب اردن تمرکز کند. ژئو ژایوتینسکی که عموماً با مصالحه‌های ارضی مخالف بود نیز در آن زمان نوشت: «من کاملاً از توافق ما با کتاب سفید چرچیل و فرمان پادشاهی بریتانیا حمایت می‌کنم.» ژایوتینسکی بعداً موافقت خود را ناشی از ترس از لغو قیمومیت و از بین رفتن کل ایده دولت یهود هرتزل، در همین سرزمین محدود عنوان کرد. جنبش تجدیدنظرطلب و بنیانگذارش ژایوتینسکی، برخلاف سازش موقتی که در مواجهه با دیکته بریتانیا نشان دادند، همچنان شرق اردن را برای اسکان یهودیان مناسب و شایسته گنجاندن در دولت یهودی برنامه‌ریزی شده می‌دانستند و دیدن شرق اردن به عنوان یکی از سرزمین‌های میهن به شعار اصلی جنبش تجدیدنظرطلب تبدیل شد، همین‌طور نماد ایرگون تصویری از یک تنگن را در پس زمینه نقشه سرزمین اسرائیل در مرزهای قیمومیت اولیه قیمومیت بریتانیا برای فلسطین و امارات ماواری اردن نشان می‌دهد. این نماد هنوز در ورودی قلعه ژرک، مرکز جنبش لیکود در تل‌آویو، قرار دارد، حتی یکی از آهنگ‌های جنبش بنار نوشته ژایوتینسکی، چنین است: «دو کرانه اردن، این یکی مال ماست، این یکی هم.» بحث و جدل بر سر تشکیل کامل سرزمین اسرائیل، در آستانه تدوین اولین طرح تقسیم (ایجاد دو دلت عبری و عربی در غرب رود اردن) توسط کمیسیون پیل بریتانیا در سال ۱۹۳۶ آغاز شد. این جدل به پرسش‌های ایدئولوژیک و عملی مختلفی می‌پرداخت؛ از نظر ایدئولوژیک، جناح‌های صهیونیستی در مورد این سوال که آیا مرزهای دولت یهود یک مسئله حیاتی– یکی از ویژگی‌های اساسی دولت– است یا یک موضوع فنی که فقط ملاحظات عملی باید به آن نسبت داده شود، اختلاف نظر داشتند. از جمله ملاحظات عملی مطرح‌شده در این زمینه این بود که آیا مرزهای دولت یهود باید شامل مناطقی در سرزمین تاریخی اسرائیل باشد که نسبتاً پرجمعیتند و اعراب در آنها زندگی می‌کنند؟ آیا مناطقی که ایجاد شهرک‌های یهودی در آنها مناسب است باید بر مناطقی که اهمیت تاریخی یا مذهبی در تاریخ قوم یهود دارند ترجیح داده شوند؟ آیا پیشنهاد‌های تأسیس یک دولت یهودی با مرزهای محدود باید پذیرفته یا رد شود تا زمانی که امکان تأسیس یک دولت در مرزهای کامل سرزمین اسرائیل فراهم شود؟ حییم وایزمن و دیوید بن‌گوریون از حامیان این رویکرد بودند. همچنین کسانی بودند مثل آرپل شارون که ایده تقسیم را رد می‌کردند، زیرا معتقد بودند راه‌حل یک دولت دو ملیتی یهودی– عربی با مرزهای وسیع، بر یک دولت یهودی با مرزهای باریک یا بر کنترل یک دولت یهودی بر یک جمعیت بزرگ غیریهودی ترجیح دارد. پیشنهاد نوامبر ۱۹۴۷ که به عنوان طرح تقسیم شناخته می‌شود، مورد حمایت

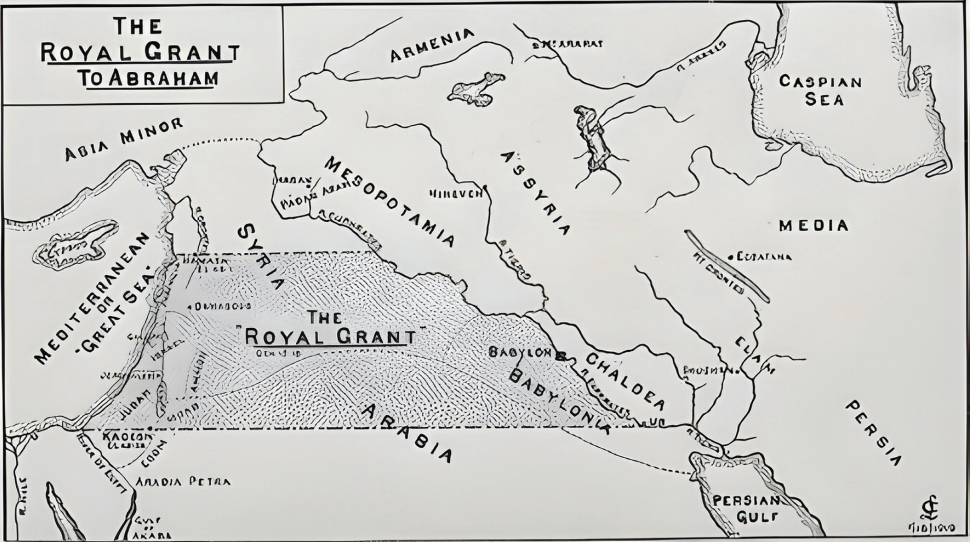
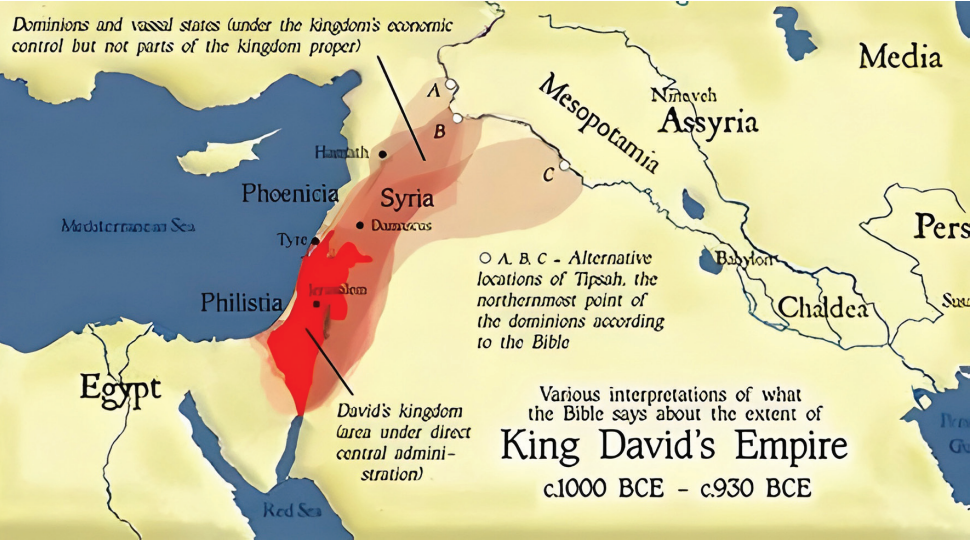
تاریخ و اندیشه

هفته‌نامه تحلیلی روزنامه فرهیختگان

شماره بیست و هشتم | هفته دوم شهریورماه ۱۴۰۴

FARHIKHTEGANONLINE

وقایع اسرائیلیه



کوه‌های سامره، بخشی از کوه‌های اورشلیم، کوه‌های یهودا، کوه‌های هبرون و بخش‌هایی از صحرای یهودا و دریای مرده مسطلم کرد. خط آتش‌بس در سال ۱۹۴۹ در توافقنامه روزز تعیین و «خط سبز» نامیده شد. این خط به مرز بالفعل سرزمین‌های اشغالی تبدیل شد. سرزمین‌های فراتر از آن به پادشاهی اردن ضمیمه و توسط آن کرانه باختری نام گرفت. در جنگ شش‌روزه، اسرائیل مناطق وسیعی را که از دید آن‌ها متعلق به قوم یهود بود، از جمله کرانه باختری که اسرائیل آن را منطقه یهودیه و سامریه می‌نامید، اشغال کرد. اسرائیل قوانین خودش را در این مناطق، به استثنای منطقه اورشلیم شرقی اعمال نکرد. ایده سرزمین بزرگ اسرائیل، در مرزهای ایجاد شده توسط خطوط آتش‌بس جدید، به موضوع مورد علاقه بسیاری از چهره‌های عمومی و روشنفکران تبدیل شد. برخی حتی قبل از جنگ از این ایده حمایت می‌کردند، اما پس از جنگ معتقد بودند این ایده عملی شده و برخی پس از نتایج جنگ، شروع به حمایت از این ایده کردند، به عنوان مثال در سال ۱۹۶۷، مانیفستی توسط جنبشی از نویسندگان و روشنفکران منتشر شد که خود را جنبش «آزادی سرزمین بزرگ اسرائیل» می‌نامید. محافل چپ نیز برای ترویج این ایده در چهارچوب جنبش «سرزمین کامل اسرائیل» تلاش کردند. این دو جنبش همچنان وجود دارند و در بیانیه مشترکی که چند روز بعد از عملیات ارتش اسرائیل در جواب به طوفان الاقصی منتشر کردند چنین گفتند: «پیروزی ارتش را در تحقق ایده اسرائیل بزرگ خواستاریم. این جنگ مردم و دولت را در دوره‌ای جدید و سرنوشت‌ساز قرار داد. سرزمین اسرائیل اکنون در دست مردم یهود است و همانطور که ما اجازه نداریم از کشور اسرائیل دست بکشیم، به ما دستور داده شده است که از آنچه از آن دریافت کرده‌ایم، یعنی سرزمین اسرائیل فعلی، راضی نباشیم و به مسیر خود ادامه دهیم. ما به تمامیت کشورمان (سرزمین کامل اسرائیل)، به گذشته مردم و به آینده آنها وفاداریم و هیچ دولتی در اسرائیل حق ندارد از این تمامیت چشم‌پوشی کند.»

اکثریت یهودیان اسرائیل، به ویژه آژانس یهود قرار گرفت که به عنوان دولت بالفعل یهودیان اسرائیل عمل می‌کرد. اقلیتی از آنها، مانند اترل به رهبری مناخیم بگین که همواره او ایده اسرائیل بزرگ حمایت علنی می‌کرد، با آن مخالفت کردند. در سپتامبر ۱۹۴۸، بن گوریون در بخشی در شورای موقت دولت گفت: «من با کسانی موافقم که معتقد نبودند بین ادعای تمام فلسطین غربی به عنوان یک دولت یهودی و توافق برای تأسیس یک دولت در بخشی از فلسطین غربی تناقضی وجود دارد. آنچه را که شایسته‌اش بودیم مطالبه کردیم و آنچه را که می‌توانستیم به دست آوریم، دریافت کردیم اما هرگز اعلام نکردیم این حداکثر خواسته ماست. ما با تأکید فراوان اعلام کردیم این حداقل خواسته ماست. ما هنوز اول راه هستیم و برای برپایی ایده اسرائیل بزرگ راه زیادی مانده است.» طرح تقسیم، تقسیم سرزمین تحت قیمومیت رژیم اسرائیل را به یک دولت یهودی که شامل نوار ساحلی، الجلیل شرقی و دره‌های شمالی، سرزمین‌های بین بندر ایلات تا جنوب دریای مرده و صحرای نقب می‌شد و یک دولت عربی را که شامل جلیل مرکزی و غربی، نوار غزه گسترده در دشت ساحلی جنوبی از رفح تا شهر غزه تا به نوار دیگری در نقب غربی در امتداد مرز با مصر (منطقه نیتزائیا نامیده) متصل می‌شود، بخش شرقی نقب، شامل بت‌السیع و رشته کوه و دره اردن می‌شود، بیان می‌کرد. شهر یافا قرار بود بخشی از دولت عربی به عنوان یک منطقه محصور در قلمرو دولت یهودی باشد. قرار بود منطقه کوچکی در اطراف اورشلیم و بیت لحم، منطقه‌ای بی طرف و غیرنظامی تحت نظارت سازمان ملل متحد باشد.

ایده تشکیل کامل سرزمین اسرائیل

پس از جنگ شش‌روزه تا امروز

نتایج جنگ استقلال، پادشاهی اردن را بر حدود یک‌پنجم از سرزمین‌های تحت قیمومیت بریتانیا بر فلسطین در غرب اردن، در مناطقی مانند